

رابطه میان فقر و انحطاط ارزش‌های اخلاقی در سطح فردی

شیما خدادادی سردهلقی^۱

چکیده

فقر اقتصادی از اساسی‌ترین چالش‌های جوامع انسانی است که با وجود پیشرفت‌های گسترده در عرصه‌های علمی و صنعتی، همچنان روندی افزایشی را تجربه می‌کند. این پدیده، تنها یک مشکل اقتصادی نیست، بلکه آثار و پیامدهای آن، ابعاد اخلاقی و روانی فرد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. هنگامی که فقر به صورت پایدار در زندگی انسان رسوخ می‌کند، زمینه‌ی پیدایش رفتارهای ناهنجار و انحرافات اخلاقی فراهم می‌شود. مسئله‌ی رابطه‌ی فقر با انحرافات اجتماعی و اخلاقی، در طول تاریخ مورد توجه پژوهشگران حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و روان‌شناختی بوده است. در این پژوهش با رویکرد **توصیفی - تحلیلی** و بر اساس منابع کتابخانه‌ای، تلاش شده پیامدهای فقر اقتصادی در حوزه‌ی اخلاق فردی بررسی و تبیین شود. بر پایه‌ی آموزه‌های اسلامی، فقر نه تنها سبب آسیب در جنبه‌های مادی زندگی انسان می‌گردد، بلکه پیامدهای منفی آن در ساحت اخلاقی نیز آشکار است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که فقر اقتصادی در چهار سطح اخلاق فردی قابل تشخیص است: **تضعیف ایمان و باورهای دینی، اعتراض و ناخشنودی نسبت به اراده الهی، انکار پیامبران و ارزش‌های الهی، و گرایش به اطاعت از شیطان.**

واژگان کلیدی: فقر اقتصادی، پیامدهای اخلاقی، رفتار فردی، آموزه‌های اسلامی

^۱ سطح ۳ حوزه علمیه الزهرا (س) شهرستان صحنه، استان کرمانشاه؛ shima.kh.s313@gmail.com

مقدمه

از آنجا که انسان از ابتدای خلقت تا امروز با مسئله فقر و غنا روبرو است. برخی از افرادی که در جامعه وجود دارند کسانی هستند که درآمد آنها بیش از نیازهای زندگی خودشان است و مشغول لذت و منافع خودشان هستند و به افراد پایین تر از خودشان توجه ندارند و برخی دیگر فقیرانی هستند که از موقعیت های رفتاری محروم وبا مرگ تدریجی که امام علی آن را موت اکبر نامیدند دست و پنجه نرم می کنند. برخی از رفتارهایی که این دو گروه انجام می دهند اثرات منفی برای خود به دنبال دارد و آن این که فقیر هر روز فقیرتر و بی نیاز هر روز بی نیاز تر می شود و برای خود پیامدهای فردی، رفتاری، اعتقادی و اخلاقی را به دنبال دارد. در این نوشتار به خواست خوانند پیامدهای منفی فقر و غنا از نظر قرآن و حدیث بررسی می شود. تا این رهگذر هشدار می باشد برای همه خصوصا مسئولان و دست اندرکاران و حاکمان جامعه اسلامی اگر چه فقر و غنا، منحصر به امور مادی نیست بلکه شامل معنویات هم هست. هم چنان که امام علی علیه السلام در حکمت 452 می فرمایند: «الفقر والغنى بعد العرض على الله» فقر و بی نیازی ما پس از عرضه شدن بر خدا آشکار خواهد شد. فقر از لحاظ های مختلف دارای پیامدهایی هست که در این تحقیق به پیامدهای فقر اقتصادی در حوزه اخلاق فردی اشاره خواهد شد.

از آنجا که تاکنون غالبا حکومت و زمام امور جامعه کمتر در دست نظام اسلامی بوده و مسئله فقر که از پدیده های رفتاری است و هم چنین از مسائلی است که در علوم دینی، جامعه شناسی و انسان شناسی در مورد آن پرداخته اند. اما تا آنجا که بنده تحقیق کردم کتابی مخصوص در مورد فقر که پیامدهای منفی این را از نظر قرآن و روایات بررسی بکند نیافته ام. البته در کتابهای تفسیری و اخلاقی و اقتصادی به این موضوع به صورت پراکنده اشاره شده است. لذا برای توجه دادن به این پیامدها و جلوگیری و یا ریشه کن کردن فقر و پیامدهای آن در جامعه که قشر عظیمی به آن مبتلا هستند، ضرورت تحقیق را دو چندان می کند.

هر یک از این آثار به بیان گوشه ای از موضوع ملحوظه پرداخته اند و هیچ کدام از آثار جامعیت کلامی این تحقیق را نخواهند داشت و ما هم به قدر وسعت اطلاعاتمان و توفیقاتی که به سبب اساتید گرانقدرمان که در مسیر علم آموزی به دست آورده ایم، باری از مشکلات پژوهشی را می خواهیم برداریم و این مبحث علمی را کار کنیم. با به بیان برخی از این آثار و تفاوت بحث ملحوظه ما و آن آثار می پردازیم:

مقالات

1 : مقاله ای در پاییز سال 1392 توسط عبدالعلی شکر با عنوان « تبیین معنای فلسفی فقر و غنا در صحیفه ی سجادیه» نگاشته شده است که مولف در این اثر می فرماید که اصطلاح فقر به دو معنای مذموم و ممدوح در کلام امام سجاد آمده است. فقر ممدوح آن است که نیاز و وابستگی حقیقی از سان به ذات حق را نشان دهد. اما فقری که احساس تعلق و نیاز به غیر ذات حق را در انسان ایجاد کند، مذموم است.

2 : مقاله ای در فروردین ماه سال 1379 توسط «رضا غلامی» با عنوان «فقر و غنا در قرآن و حدیث» نگاشته شده است که نویسنده در این مقاله سعی دارد معانی لغوی و اصطلاحی فقر و غنا ارائه دهد و سپس کاربرد این دو واژه و مشتقات آنها در قرآن را بیان می کند و در ادامه آیاتی که در آنها الفاظ فقر و غنا یا فقیر و غنی و یا الفاظ مترادف این کلمات بکار رفته را به صورت مختصر می نگارد و توضیحی مختصر در مورد آنها ارائه می دهد .

2 : مقاله ای در بهار 1399 توسط دکتر مصطفی میرداررضایی با عنوان «تحلیل فرونسیستی از «فقر و غنا» در نظام اخلاق صوفیانه و رساله اخلاقی گلستان» نگاشته شده است که نویسنده در این مقاله سعی دارد که با تفسیری فرونسیستی متناسب با وضعیت انضمامی و عینی از زیست روزمره ، این بصیرت را به مخاطب بدهد .

الف : مفهوم شناسی

در این فصل به مفهوم شناسی مفردات بحث خواهیم پرداخت.

1 : معنای لغوی و اصطلاحی فقر

ابن فارس درباره معنای اصلی کلمه فقر می نویسد: « فقر دلالت دارد بر فراخی و گشودگی در چیزی مانند عضو بدن و غیره و از ریشه کلمه «فقار» که به معنی مهره های پشت بدن که جمع «فقاره» است. علت این که به مهره های پشت بدن «فقاره» می گویند این است که بین آنها شکاف و فاصله است و فقیر به کسی گفته می شود که ستون فقرات پشتش شکسته باشد. اهل لغت گویند

« تهیدست را بدین علت فقیر گویند که گویا ستون فقرات پشتش به وسیله ذلت و بیچارگی شکسته شده است»^۱.

پیامد در لغت : به معنای عقیب، پشت، پس، دنباله، عقب، اثر، پی او، دنبال او، بر اثر او آمده است. مترادف پیامد عبارت است از بازتاب، عارضه، عقبه، عکس العمل، واکنش^۲. معنای منفی در لغت عبارت است از کنار زده، نفی شده، دور شده، طرد و رانده شده، دفع شده آمده است. الکلام المنفی یعنی سخن منفی، برخالف مثبت^۳. هم چنین به معنای نفی شده ، ضد مثبت ، تبعید شده^۴ ، ناسازگار، ناهماهنگ، نیست شده ، پوچ، بی ارزش و^۵... آمده است.

نظر در لغت عبارت است از «به آن چیز نگریست، با دقت نگاه کرد»^۶. نظر الشئ یعنی «انتظار آن چیز را کشید، به آن چیز نگریست» نظر فی المرء یعنی «در آن کار نگریست، با تامل و تدبیر به آن چیز نگریست»^۷.

در لسان العرب آمده است : « فُقر و فُقر ضد غنی است». ابن عرفه گوید: «فقیر در نزد عرب به معنای محتاج است». لبید گوید: «فقیر یعنی کسی که ستون فقرات پشتش شکسته است و این کلمه مثلی شده است که به هر فردی که در امور زندگی نفوذی نداشته باشد اطلاق می شود و نیز فقیر به گودالی گویند که برای کاشتن نهال خرما کنده شده باشد و به دهانه چاه نیز در عربی فقیر گویند. فاقره به مصیبت و حادثه ای گویند که کمر شکن باشد»^۸.

و فقر به معنای نیازمندی، تنگدستی^۹ و اندوه می باشد و عبارت از نداشتن ما یحتاج است^{۱۰}. و هم چنین راغب در مفردات درباره معانی مختلف فقر می نویسد: «فقر در قرآن به چهار وجه استعمال

^۱ احمد بن فارس ، معجم مقاییس اللغة ، ج 4 ص 443

^۲ دهخدا ، لغت نامه دهخدا ، ج 5 ص 123

^۳ معلوف المنجد ، ج 2 ص 1987.

^۴ عبدالله ، المعجم الوسیط ، ج 2 ص 231

^۵ دهخدا ، لغت نامه دهخدا ، ج 17 ص 1692

^۶ نظر؛ینظر؛نظرا الی الشئ

^۷ دهخدا ، لغت نامه دهخدا ، ج 11 ص 16617

^۸ ابن منظور ، لسان العرب ، ج 5 ص 197

^۹ قرشی ، قاموس قرآن ، ج 5 ص 197

^{۱۰} دهخدا ، لغت نامه دهخدا ، ج 11 ص 190

می شود: 1. وجود حاجت و نیاز ضروری و این نیاز و حاجت در همه جهات برای انسان تا زمانی که در دنیا هست موجود می باشد و بلکه در همه موجودات این حاجت و نیاز هست. و براین معنا است گفتار خداوند متعال در قرآن¹: ای مردم! شما همه به خداوند فقیر و محتاجید.² 2. نداشتن اندوخته های مادی و بر این معانی است آنچه که ذکر شده است در کلام خداوند متعال³ « صدقات مخصوص فقیرانی هست که در راه خدا ناتوان و بیچاره هستند و توانایی آنکه کاری پیش گیرند ، ندارند»⁴ 3. فقر نفس و آن عبارت است از حرص و آزی که هر نفس دارد و این معنی مراد است در گفتار نبی مکرم اسلام که فرمودند⁵: «نزدیک است که فقر به کفر بینجامد»⁶ و این مقابل غنای نفس است که پیامبر فرمودند⁷: «ثروتمند کسی هست که بر نفس خود مسلط باشد»⁸ 4. فقر الی الله که بدان در گفتار رسول خدا اشاره شده است⁹ که حضرت می فرماید: خدایا مرا به وسیله ی فقر به خودت غنی گردان و مرا به واسطه ی استغنا از خودت فقیر مگردان»¹⁰.

2: فقر اقتصادی

به حاجت مندی یک فرد یا یک جامعه به طوری که ایجاد وابستگی به غیر نماید، فقر اقتصادی گفته می شود. بنابراین ملتی که از نظر تولید کالا و خدمت، کمبودهای دارد و ناچار است دست نیاز به دیگران دراز کند و به تاثیر پذیری از دیگران تن دهد (یعنی وابسته به غیر باشد) به آن ملت فقیر گفته می شود. جامعه ای از نظر اقتصادی فقیر و بیمار است که در ادامه حیاتش و در تصمیم

¹ «یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله والله هو الغنی الحمید»

² فاطر: آیه 15

³ «للفقراء اللذین احصروا فی سبیل الله لا یستطیعون ضربا فی الارض»

⁴ بقره: 273

⁵ «کاد الفقر ان یکون کفرا»

⁶ کلینی، اصول کافی، ج 2 ص 307

⁷ «الغنی، غنی النفس»

⁸ مجلسی، بحارالانوار، ج 75 ص 232

⁹ «اللهم اغننی بالفقر الیک و لا تفقرنی بالاستغنا عنک»

¹⁰ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص 383

شیطان می کوشد انسان را به بیماری های گوناگون مبتلا کند و مسایل مالی از مناسب ترین راه های شیطننت اوست. شیطان با ایجاد آرزوهای دور و دراز و با وعده فقر، انسان را از نداری آینده می ترساند سپس انسانی را که به وسوسه او گوش فرا داده است، به بخل ورزیدن و ترک انفاق فرمان می دهد تا او را از خطری واهی و خیالی که خود وسوسه گر آن است رهایی بخشد. با آن که خود انسان بخیل است که روحی فقر دارد و شیطان با امر به بخل، او را در فقر نگه می دارد: فانما بخیل عن نفسه.¹

وعده فرمان شیطان مراحل عملی اسارت انسان است و قرآن کریم که میزان تشخیص و دساوس شیطانی از الهامات الهی است مراحل کاری شیطان را بیان می کند تا انسان فریب نخورد و خود را از فیض انفاق محروم نسازد و به عمل زشت بخل روی نیاورد.²

پس به فریاد شیطان که داخل نفوس انسان می خواند نباید گوش داده شود. به خاطر این که هرگز این چنین نیست که او می گوید: بلکه انفاق ثروت را میان مردم به گردش می اندازد، و سبب شکوفایی اقتصادی و در نتیجه استفاده همگان از آن می شود، پس خدا که شما را به انفاق می خواند در واقع به چیزی برتر از آن دعوت می کند.

شیطان شما را از فقر می ترساند و لذا مشتش های خود را می بندید و از انفاق خود داری می کنید و در نتیجه مردمان از شما که پول دارید و به آسایش دیگر مدد نمی رسانید ناخوش می دارند، و کینه و بغض فراگیر می شود، و از آن فحشاء و منکر به وجود می آید آیا انفاق کردن نیکو نیست که به جای کینه محبت و هم سازگاری حاصل آن باشد؟ آدمی مال را برای چه می خواهد؟ آیا برای آن نیست که آزادانه در آن تصرف کنند؟

اما فقری نزد او بیاید، و با دادن مقداری از مال خود به آن فقیر در مالی خود تصرف نکند، در این صورت چه تفاوتی میان او و فقری است که مالی در اختیار ندارد؟ هر دو از قدرت تصرف در مال محروم اند، و هر کس از فقر بترسد، به حقوق مردم تجاوز می کند و ستم کردن برای ایشان را جایز

¹ محمد: 38

² جوادی، آملی، تفسیر تسنیم، ج 12، ص 418

می شمارد و فحشاء در اجتماع رایج می شود و این همه از عمل شیطان و پذیرش ولایت شیطان است.^۱

همان طور که قبلاً گذشت در نظر ابتدایی، انفاق و بذل مال، چیزی جز کم کردن در مال نیست و این همان نظر کوتاه بینانه شیطانی است ولی با دقت و دید وسیع می بینیم: انفاق، ضامن بقای اجتماع، تحکیم عدالت اجتماعی، و سبب کم کردن فاصله طبقاتی و پیشرفت همگانی و عمومی می باشد و مسلّم است که با پیشرفت اجتماع، افرادی که در آن اجتماع زندگی می کنند نیز در رفاه و آسایش خواهند بود و این همان نظر واقع بینانه الهی است، قرآن به این وسیله مسلمانان را توجه می دهد که انفاق اگر به ظاهر چیزی از شما کم می کند در واقع چیزهایی به سرمایه شما می افزاید، هم از نظر معنوی و هم از نظر مادی.^۲ از ابن عباس آورده اند که در این آیه مبارکه دونوید انسان از خداوند متعال و دو وعده فریب کارانه از شیطان است، تا انسانها کدامین را بر گزینند.

دو نوید خداوند آن است که هر که خالصانه انفاق کند، پروردگارش گناهان او را می آمرزد و روزی او را زیاد می کند؛ و دو وعده فریب کارانه شیطان این است که در درجه نخست انسان را از فقر می ترساند تا مبدا انفاق کند و آنگاه او را به زشت کاری فرا می خواند تا آلوده اش سازد و به نقل از ابن مسعود آمده است که: شیطان برای باز داشتن انسان از انجام کار شایسته در مورد دارایی ها و امکانات، شیوه ای دارد که عبارت است از ترساندن فقر و کشاندن انسان به سوی گناه؛ و فرشتهء پروردگار نیز روشی دارد عبارتست از فرمان دادن آدمیان به انفاق و نیکی و باز داشتن آنان از زشتی ها.^۳

در آیات قرآن مجید هم از زینت دادن کارهای شیطان به انسان، سخن به وجود آمده است که انسان پذیرش ولایت شیطان قدم بر می دارد. از آیات قرآن ذیلاً به یکی از آنها اشاره می کنیم.

« تَاللّٰهِ لَقَدْ اَرْسَلْنَا اِلٰی اُمَمٍ مِّنْ قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ اَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ ».^۴

^۱ مدرس، تفسیر هدایت، ج ۱، ص ۴۳۶.

^۲ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۹۵.

^۳ طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۷۷.

^۴ نحل : ۶۳

به خدا سوگند پیامبرانی به سوی امت‌های پیش از تو فرستادیم، پس شیطان کارهای زشت شان را در نظرشان آراست تا انجامش برای آنان آسان گردد، او امروز ولی و سرپرست اینان است که در عقاید و رفتار پیرو مشرکان پیشاند و برای آنان در قیامت عذابی دردناک است.

پس با این توضیحات ذکر شده، نتیجه می‌گیریم که مفهوم ترس از فقر در آیه 668 سوره بقره، که شیطان شما را می‌ترساند و می‌گوید: ای انسان مال نگاه دارید و دست از صدقه دادن بکشید که اگر صدقه دادید، درمانده می‌شوید. از این مطلب استفاده می‌شود که، وعده شیطان و اثر پذیری از ترس او، همان پذیرش ولایت اوست؛ چرا که میان وعده خدا و وعده شیطان، وعده شیطان را پذیرفته است.

لذا انسان سعی و کوشش کند که حرف‌های فریبانه و وسوسه‌انگیز شیطان را در تمام زمینه‌ها، گوش فرا ندهد. در زمینه اقتصادی که در آینده فقیر می‌شود، به خاطر اینکه انفاق و صدقه دادن روزی انسان را تضمین می‌کند، و همانطور که گفتیم روزی در دست خدا است. وعده خدا حتمی است. اگر انسان حرف‌های شیطان را پذیرفت و از آینده خود و فرزندان نگران شد پس ولایت شیطان را پذیرفته و مطیع او شده است و همین طور از پذیرش ولایت الهی سر باز زده است.

نتیجه‌گیری

به حاجت مندی یک فرد یا یک جامعه به طوری که ایجاد وابستگی به غیر نماید، فقر اقتصادی گفته می‌شود. بنابراین ملتی که از نظر تولید کالا و خدمت، کمبودهای دارد و ناچار است دست نیاز به دیگران دراز کند و به تاثیر پذیری از دیگران تن دهد (یعنی وابسته به غیر باشد) به آن ملت فقیر گفته می‌شود. جامعه‌ای از نظر اقتصادی فقیر و بیمار است که در ادامه حیاتش و در تصمیم‌گیری‌های خود تحت تاثیر دیگران است. حال نوع نیاز مندی و وابستگی و حدود آن ممکن است در موارد مختلف متفاوت باشد. پدیده فقر، از جمله مهمترین چالش‌هایی است که جوامع بشری به درازای تاریخ حیات خود با آن مواجه بوده و آثار و پیامدهای ناگوار آن را تجربه نموده است. هر

جامعه ای با استفاده از ظرفیت ها و امکانات مادی و معنوی خود در جهت رفع یا کاهش فقر اقدام کرده است. در این میان اسلام، به عنوان دینی جامع و کامل، در راستای رفع و کاهش فاصله طبقاتی میان فقر و غنی قوانین، برنامه ها و رهنمودهای زیادی برای مبارزه با فقر و ریشه کنی یا کاهش آثار و پیامدهای آن به بشر عرضه نموده است که با به کارگیری آنها می توان به وضوح به ماهیت فقر، آثار و عواقب آن، علل و ریشه های فقر و راه کارهای مبارزه با آن پی برد. هدف این نوشتار بر آن بود که بر اساس آموزه های اسلامی ضمن بیان معنا و مفهوم فقر، برخی از مهمترین آثار و پیامدهای اخلاقی فقر را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد. که بر اساس نتایج به دست آمده پیامدهای فقر اقتصادی در حوزه اخلاق فردی در چهار مورد ضعف در دین فقر، اعتراض به خدا، تکذیب انبیاء الهی و فقر زمینه پذیرش ولایت شیطان ذکر می شود.

فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

- 1: ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم: دار الشریف الرضی للنشر، چاپ دوم، 1406 ق
- 2: ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تهران: دانشگاه تهران، چاپ چهارم، 1366 ش
- 3: بروجردی، محمد ابراهیم، تفسیر جامع، قم: انتشارات هجرت، چاپ سوم، 1374
- 4: جوادی، آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، تهران: پیام حق، چاپ سوم، ۱۳۷۷
- 5: حکیمی، محمد رضا و همکاران، الحیاء، تهران، دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۷ ش

- 6 : دهخدا ، علی اکبر ، لغت نامه دهخدا ، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ سوم، 1408ق
- 7 : راغب اصفهانی ، حسین ابن محمد ، المفردات فی غریب القرآن ، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، چاپ سوم، ۱۳۹۱
- 8 : طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، قم، نشر معارف ، چاپ سوم، ۱۳۹۰
- 9 : طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۵
- 10 : عبدالله ، ناصر علی ، المعجم الوسیط ، تهران، انتشارات جاویدان، چاپ سوم، بی تا
- 11 : غفوری ، علی ، خطوط اسلامی در نظام اقتصادی اسلامی ، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ سوم، 1409ق
- 12 : قرشی ، علی اکبر ، قاموس قرآن ، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۷
- 13 :، تفسیر احسن الحدیث، قم: انتشارات ناصر، چاپ سوم، ۱۳۷۶ش
- 14 : کلینی ، محمد بن یعقوب ، اصول کافی ، تهران: دنیای دانش ، چاپ چهارم ، ۱۳۸۲ش
- 15 : معلوف ، لويس ، المنجد ، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ سوم، ۱۳۸۱
- 16 : مجلسی ، محمدباقر ، بحارالانوار ، قم: دارالکتب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۶۱۰ ق
- 17 : مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، بیروت: دار الکتب السامیه، چاپ سوم، 1385
- 18 : مدرسی، محمدتقی، تفسیر هدایت، تهران: امیر کبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۱
- 19 : یوسفی، محمد رضا، کلیات اقتصاد اسلامی، بیروت: دار الفکر، چاپ سوم، 1414ق